

بررسی تطبیقی و تحلیلی عناصر نمایشی داستان در (شاهنامه و ادیسه)

آسیه سوبینی^۱، کامران پاشایی فخری^۲، ندا یانس^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان، ایران، تبریز

۲- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران، تبریز

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد تبریز، ایران، تبریز

چکیده: شاهنامه فردوسی اثری بی نظیر، در حوزه ادبیات حماسی ایران است، که قابلیت‌ها و کارکردهای با ارزشی در حوزه‌های نمایشی دارد. ایلاد و ادیسه هومر نیز از نظر عناصر نمایشی و فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در ادبیات حماسی یونان دارد. این دو حماسه ایرانی و یونانی بیانگر نزدیکی دو ملت در آینه تاریخ است. تعیین محدوده این پژوهش، یعنی بررسی داستان‌های پهلوانی شاهنامه و ادیسه این امکان را به خواننده می‌دهد تا بر تفاوت‌های اساسی دو منظومه هم عرض و در ظاهر هم ارزش، برای تبدیل به یک اثر نمایشی واقف شود و از شکل سنتی توجه به تعاریف کلی عناصر داستانی و ادبیات دراماتیک خارج شود و به آن رویکردی کاملاً کاربردی ببخشد. از آن‌جا که ایران و یونان از کهن‌ترین روزگاران، مهد آفرینش‌های هنری به ویژه خلق شاهکارهای حماسی دست اول بوده است، جا دارد به مقایسه حماسه ادیسه هومر با شاهنامه فردوسی که حکم چکیده بینش، آمال و ذوق دو قوم هستند پردازیم، تا دغدغه‌های کلان هومر به عنوان نماینده اندیشه و احساس یونانیان در مقایسه با دیدگاه فردوسی به عنوان نماینده خرد و باور ایرانی، آشکار شود تا از یک سو امکانات و استعدادها حماسه‌سرایی در یونان در مقایسه با ایران روشن گردد و همان‌طور عناصر داستانی در دو منظومه ارزشمند تحلیل شود. مضامین مشترک در دو حماسه از لحاظ محتوا، تشابه پهلوان‌ها، مفاهیم حماسی و ... وجود دارد، با این حال، تفاوت‌هایی نیز از لحاظ زمان و مکان و مفاهیم دیگر در این آثار قابل مشاهده است.

کلید واژه‌ها: فردوسی و هومر، شاهنامه و ادیسه، عناصر نمایشی داستان، حماسه ایرانی